

سیر تاریخی و بررسی تحلیلی پیرامون قوانین و مقررات راجع به

هزینه‌های قانونی ثبت اسناد (بخش چهارم و پایانی)

خسرو عباسی داکانی^۱

در سه شماره قبل پس از بحث در خصوص تاریخچه قوانین و مقررات راجع به هزینه‌های قانونی ثبت اسناد و نیز بررسی قانون دفاتر اسناد رسمی (مصوب ۱۳۵۴) و آیین‌نامه‌های اجرایی آن به موضوع معافیت‌های قانونی از پرداخت حق‌الثبت اسناد رسیدیم. اینک ادامه بحث:

بخش چهارم - حق‌التحریر اسناد

الف - حق‌تحریر اسناد

همانطور که ملاحظه شد مسأله حق‌التحریر اولین بار پس از تأسیس دفاتر اسناد رسمی، در قانون تشکیل دفاتر اسناد رسمی در سال ۱۳۰۷ مطرح شد. به موجب تبصره ماده ۱۴ قانون مزبور مقرر شد (حق‌التحریری که صاحب دفتر اخذ می‌کند مربوط به دولت نخواهد بود) قبل از آن تاریخ به دلیل آنکه موضوع ثبت اسناد در اختیار مباشرین ثبت قرار داشت و مباشرین ثبت نیز مستخدمین دولت محسوب می‌شدند و حقوق و مزایای خود را از صندوق دولت دریافت می‌نمودند بنابراین مسأله حق‌التحریر امکان بروز و ظهور نمی‌یافت و لیکن پس از تشکیل دفاتر اسناد رسمی هرچند دفاتر مزبور وابسته به دولت

۱. سردفتر اسناد رسمی ۱۰۶ تهران و عضو هیأت تحریریه مجله کانون.

محسوب می‌شدند ولیکن سردفتران جزء مستخدمین دولت نبوده و مقرری از صندوق دولت دریافت نمی‌نمودند فلذا در ماده ۱۴ قانون تشکیل دفاتر اسناد رسمی اولاً نیمی از عایدات حاصله از حق‌الثبت را متعلق به صاحب دفتر و در سهم او قرار دادند ثانیاً در تبصره ذیل همان ماده با توجه به اینکه وظیفه صاحبان دفاتر علاوه بر ثبت اسناد ترتیب اسناد نیز قرار داده شده بود فلذا در خصوص ترتیب سند نیز مقرر شد صاحبان دفاتر حقی برای خود منظور نموده و دریافت نمایند و در تبصره مرقوم مقرر شد دولت در خصوص حق‌التحریر هیچگونه حقی نداشته و مداخله نخواهد کرد. به عبارت دیگر با خصوصی شدن نسبی دفاتر اسناد رسمی از آنجا که دیگر صاحبان دفاتر مقرری از صندوق دولت دریافت نمی‌نمودند بنابراین به موجب تبصره مرقوم مقرر شد بابت تحریر اسنادی که متقاضیان جهت ثبت رسمی در دفتر اسناد رسمی ارائه می‌نمایند مبلغی به صاحبان دفاتر اسناد رسمی پرداخت شود تا ایشان متن اسناد را در دفاتر مربوطه تحریر و درج نمایند تا ثبت رسمی اسناد میسر شود فلذا حق مزبور تنها اختصاص به تحریر اسناد ارائه شده و درج آن در دفاتر مربوطه داشته و ارتباطی به مسأله تنظیم اسناد ندارد و مسأله اخیر در قوانین بعدی مطرح می‌شود.

قانون مزبور به موجب قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۰۸ منسوخ شد و در قانون اخیر مجدداً مسأله حق‌التحریر دفاتر اسناد رسمی انکار گردید و تنها در ماده ۲۰۵ سهمی از حق‌الثبت برای صاحبان دفاتر منظور گردید. این امر متأسفانه با نسخ قانون اخیر و تصویب قانون ثبت اسناد و املاک کنونی در سال ۱۳۱۰ نیز ادامه یافته و در قانون اخیر نیز تنها در مواد ۸۹ و ۱۲۳ سهمی از عایدات حق‌الثبت برای صاحبان دفاتر و دفتریاران منظور گردیده و موضوع حق‌التحریر فراموش شده است.

ب - حق تنظیم اسناد

با وجود آنکه در ماده ۸۱ برخلاف قوانین قبلی امر تنظیم اسناد نیز صریحاً جزء وظایف دفاتر اسناد رسمی قرار داده شده است معلوم نیست به چه دلیل حق تنظیم سند برای دفاتر اسناد رسمی منظور نشده است. توضیح آنکه در گذشته و در زمانی که امر ثبت اسناد در اختیار مباشرین ثبت بود مسأله تنظیم اسناد اساساً مطرح نبود زیرا اشخاص اسناد

خویش را شخصاً و یا نزد روحانیون و سایر اشخاص مطلع تنظیم و معاملات خود را به انجام می‌رساندند و پس از تصویب قانون ثبت اسناد در سال ۱۲۹۰ تنها در صورتی که می‌خواستند از مزایای ثبت رسمی اسناد بهره‌مند شوند هر یک از طرفین معامله که تمایل داشت می‌توانست سند خود را نزد مباشرین ثبت برده و تقاضای ثبت آن را بنماید. مباشر ثبت نیز پس از وصول حق‌الثبت در دفتر ثبت اسناد شماره‌ای در ردیف شماره‌های دفتر برای سند مزبور در نظر گرفته و عین متن سند را در دفتر ثبت می‌نمود. و بر روی سند مهر خود را نقش نموده و شماره ترتیب و ردیف دفتر را بر روی سند مرقوم می‌نمود و سند مزبور بدین ترتیب از تاریخ ثبت در دفتر مزبور رسمی محسوب می‌شد و در دفتر فهرست نیز خلاصه‌ای از مفاد سند و طرفین معامله با قید امضاها و سجلات و اقداماتی که در اجرای وظیفه مزبور مباشر ثبت انجام داده بود به طور اختصار درج می‌شد و دیگر لزومی نداشت تا اسناد مزبور مجدداً در اوراق مخصوصی وفق مقررات تنظیم و سپس در دفتر ثبت اسناد وارد شود فلذا تنه‌هزینه‌ای که در رابطه با رسمیت اسناد مطرح و قابل وصول بود همانا حق ثبت سند در دفاتر مزبور بود و چون سند توسط خود متعاملین یا اشخاص دیگری در خارج تنظیم می‌شد فلذا دریافت حق تنظیم سند از سوی مباشرین ثبت سالبه به انتفاء موضوع بود ولیکن پس از تصویب قانون ثبت اسناد و املاک در سال ۱۳۱۰ از آنجا که در ماده ۸۱ تنظیم اسناد رسمی نیز برعهده دفاتر اسناد رسمی قرار داده شد ادامه وضع سابق دیگر منطبق با حقیقت و واقعیت نبوده و مخالف قانون می‌باشد فلذا در صورتی که اسناد نیز توسط صاحبان دفاتر تنظیم شود می‌بایستی هزینه تنظیم سند نیز به صاحبان دفاتر پرداخت شود مگر آنکه سند را متعاملین شخصاً و در خارج از دفترخانه تنظیم نموده و تنها جهت ثبت رسمی آن به دفتر اسناد رسمی مراجعه نمایند که در این صورت تنها حق تحریر اسناد توسط سردفتران قابل وصول خواهد بود.

این امر ۶ سال ادامه داشت تا آنکه در سال ۱۳۱۶ قانون دفتر اسناد رسمی به تصویب مجلس رسید و در شق ۳ ماده ۲۳ آن مقرر گردید از جمله دفاتری که دفترخانه باید داشته باشد یکی هم دفتر عایدات است که برای ثبت حق‌التحریر و مخارج دفتری و شماره قبض مقرر است و در ماده ۵۳ نیز مقرر شد حق‌التحریر دفترخانه و سایر مخارج دفتری نباید از تعرفه‌ای که وزارت عدلیه تنظیم می‌نماید تجاوز کند و اخذ هر وجهی بدون صدور قبض

رسمی یا اضافه بر تعرفه و همچنین قبول هرگونه شیئی از متعاملین ممنوع و مستلزم محرومیت از شغل خواهد بود.

بدین ترتیب مجدداً با تصویب قانون مزبور بر حق سردفتران در مورد دریافت حق تحریر اسناد صحه گذاشته شده و تأکید گردید. در سال ۱۳۱۷ با تصویب آئین‌نامه قانون مزبور در مواد ۵۸ و ۵۹ آن بر مفاد ماده ۵۳ قانون تأکید گردید و همان مطالب مجدداً تکرار شد و بدین ترتیب این حق برای سردفتران شناخته شد که در صورت تحریر اسناد در دفتر ثبت اسناد از صاحبان اسناد تنظیمی حق التحریر دریافت نمایند و این مبلغ علاوه بر حق الثبت اسناد بود که به حساب اداره ثبت واریز می‌شد و سهمی از آن هم برای سردفتران و دفتریاران منظور می‌گردید و در نتیجه خلاء قانونی موجود در قانون ثبت اسناد نیز برطرف گردید و لیکن در مورد حق تنظیم اسناد کماکان قانون مزبور هم ساکت ماند و مقرراتی به تصویب نرسید.

این وضعیت ادامه داشت تا آنکه قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران در سال ۱۳۵۴ به تصویب رسید. و در ماده یک آن وظیفه دفترخانه تنظیم و ثبت اسناد رسمی مطابق قوانین و مقررات قرار داده شد. نکته مهمی که با تصویب این قانون به انجام رسید آن بود که برای اولین بار در ماده ۱۸ این قانون مقرر شد کلیه اسناد در دفاتر اسناد رسمی در اوراق مخصوصی که از طرف سازمان ثبت در اختیار دفترخانه قرار داده می‌شود تنظیم و فقط در دفتر سردفتر به ثبت می‌رسد. به عبارت دیگر از این پس دیگر امکان اینکه اشخاص در خارج از دفترخانه اسناد خویش را تنظیم نموده و سپس جهت ثبت رسمی آن به دفترخانه مراجعه نمایند از بین رفته و اشخاص حق ندارند اسناد رسمی خود را شخصاً و در اوراق عادی تنظیم نمایند بلکه در صورت تمایل مکلفند مدارک خود را در اختیار سردفتران قرار دهند تا ایشان در اوراق مخصوص نسبت به تنظیم سند اقدام و سپس سند تنظیمی را در دفتر خویش به ثبت رسانده و به امضاء متعاملین برسانند و از نظر این قانون تنها چنین سندی، سند رسمی محسوب می‌شود و لذا دیگر اشخاص نمی‌توانند اسناد عادی خویش را به دفاتر اسناد رسمی ارائه نموده و تقاضای ثبت رسمی آن را در اجرای مواد ۴۶ و ۴۷ و ۵۶ قانون ثبت بنمایند بلکه در صورت تمایل به ثبت رسمی اسناد خویش مکلفند اسناد مزبور را در اختیار دفاتر قرار دهند تا سران دفاتر در

اوراق مخصوص مجدداً اسناد مزبور را تنظیم نموده و سپس به ثبت رسمی برسانند فلذا مقررات ماده ۱۸ قانون دفاتر اسناد رسمی بر مواد ۴۶ و ۴۷ و ۵۶ قانون ثبت حاکم و وارد و ناظر می‌باشد و مفاد مواد مرقوم تنها در چهارچوب مقررات ماده ۱۸ قابلیت اجرا دارند.

با وجود این متأسفانه در قانون مزبور نیز برخلاف انتظار سردفتران باز هم موضوع حق تنظیم اسناد مورد توجه قانونگذاران واقع نگردیده و این امر باز هم مسکوت ماند و این در حالی است که هیچ منطقی در ورای این نوع طرز تفکر وجود ندارد و معلوم نیست به چه دلیل بخشی از جامعه از حقوق مشروع و قانونی خویش در قبال انجام وظیفه خاصی محروم می‌شود و این سؤال مطرح می‌شود که دلیل این گونه رفتار ناروا و ناعادلانه با سردفتران چیست؟

و آیا کدام یک از بخشهای مختلف جامعه به طور مجانی به انجام وظیفه می‌پردازند که چنین توقعی از سردفتران می‌رود؟ و آیا این توقع صحیح است که با وجود آنکه همکاران سردفتران از قبیل وکلاء و کارشناسان رسمی و قضات دادگستری در قبال انجام وظایف خویش حق الزحمه‌های مناسبی دریافت می‌نمایند از سردفتران انتظار داشته باشید که از حق خویش صرفنظر نمایند. به نظر می‌رسد تقریباً یک قرن بی‌عدالتی در این خصوص کافی باشد و دیگر وقت آن رسیده است که در مقررات مربوطه تجدیدنظر اساسی و جدی صورت گیرد و حق تنظیم اسناد نیز در برای سردفتران به رسمیت شناخته شود.

ج - نظر سازمان ثبت و وزارت دادگستری

البته ذکر این نکته را لازم می‌دانند که موضوع تنظیم اسناد موضوعی نیست که از چشم مدیران محترم سازمان ثبت پنهان مانده باشد. در بخشنامه مربوط به تعیین تعرفه حق‌التحریر اسناد به شماره ۱۳۸۰/۶/۱۷ - ۱/۳/۳۴/۲۱۷۳۱ که به دفاتر اسناد رسمی جهت اجرا ابلاغ گردیده است حق‌التحریر وقفنامه و وصیت‌نامه (در شق ۵ بند ب بخشنامه مزبور) چنانچه مختصر باشد یکصد و پنجاه هزار ریال و اگر مفصل باشد سیصد هزار ریال تعیین شده است اما در ادامه و پیرو بخشنامه مذکور سازمان ثبت با صدور بخشنامه شماره ۱/۳۴/۱۷۵۱ - ۱۳۸۱/۲/۷ در بند ۲ آن بخشنامه مقرر نمود (درارتباط با وقفنامه و وصیت‌نامه که تهیه و تنظیم آن مستلزم اطلاعات کافی حقوقی و شرعی می‌باشد و براین

اساس علی‌الاصول تهیه و تنظیم آنها توسط سردفتران به عمل می‌آید لذا حق التحریر قید شده در بخشنامه، ناظر به موارد مذکور است لکن چنانچه تهیه وقفنامه و وصیت‌نامه توسط خود متقاضی صورت گیرد، حق التحریر مقرر در بخشنامه شماره ۱۰۷۰۵/۱۳۴ - ۱۳۷۷/۶/۲ ملاک عمل خواهد بود).

از آنجا که مسئولان محترم سازمان ثبت نیز به شرح فوق واقف بر این امر هستند که مسأله تنظیم اسناد توسط سردفتران امری خاص می‌باشد که با تحریر سند توسط ایشان تفاوت دارد بنابراین باید گفت اولاً با توجه به ماده ۱۸ قانون دفاتر اسناد رسمی حداقل از سال ۱۳۵۴ به بعد دیگر این امر معنا ندارد که اشخاص اسناد خود را شخصاً و در خارج از دفترخانه تنظیم و سپس تنها جهت ثبت رسمی آن به دفترخانه مراجعه نمایند بلکه براساس مفاد ماده ۱۸ و ماده ۱ قانون مزبور اسناد رسمی را فقط سردفتران باید در اوراق مخصوص تنظیم نمایند و سایر اشخاص در این امر نمی‌توانند مداخله نمایند ثانیاً بر فرض آنکه بپذیریم که اشخاص می‌توانند اسناد خود را شخصاً و در خارج از دفترخانه تنظیم نمایند ولیکن می‌بایستی اسناد مزبور را در اختیار سردفتران قرار دهند تا ایشان با بررسی آن چنانچه مطابق قوانین و مقررات جاری تنظیم شده باشد مجدداً آن را در اوراق مخصوص تنظیم و هرگاه اشکالات و ایرادات قانونی داشته باشد آن را رفع نمایند بنابراین از آنجا که سردفتران تکلیف قانونی در خصوص تنظیم اسناد مزبور در اوراق مخصوص دارند در نتیجه نبایستی حقی از ایشان تضییع شود و در هر صورت حق تنظیم سند باید به ایشان پرداخت شود مگر آنکه معتقد باشیم سردفتران وظیفه‌ای در این مورد ندارند و بالتبع در خصوص مطابقت یا عدم مطابقت مندرجات سند تهیه شده توسط اصحاب سند با قوانین و مقررات جاری نیز هیچگونه مسئولیتی ندارند که در این صورت حق تنظیم سند برای سردفتران متصور نخواهد بود در غیر این صورت حق مزبور جزء حقوق قانونی سردفتران می‌باشد که در هر صورت می‌بایستی به ایشان پرداخت شود ثانیاً این امر اختصاص به اسناد وقفنامه و وصیت‌نامه ندارد زیرا اسناد مزبور دارای ویژگی‌ها و صفات و امتیازات منحصر به فردی نیستند که آنها را از سایر اسناد ممتاز نموده باشد بلکه تنظیم کلیه اسناد مستلزم اطلاعات کافی حقوقی و شرعی می‌باشد فلذا این موضوع در خصوص کلیه اسناد صدق می‌نماید و می‌بایستی حق تنظیم سند به سردفتران در کلیه اسناد پرداخت شود ثالثاً

مسئولین محترم سازمان ثبت اذعان دارند که مسأله تنظیم سند با تحریر سند تفاوت ماهوی و اساسی دارد فلذا این تفاوت آشکار را با ارزش گذاری مادی برای تنظیم و تحریر اسناد عنوان نموده‌اند. توضیح آنکه اسنادی که توسط اصحاب سند در خارج تنظیم شود و تنها تحریر آن در دفتر ثبت معاملات توسط سردفتر صورت گیرد را مشمول بخشنامه مصوب سال ۱۳۷۷ عنوان نموده‌اند و لیکن اسنادی که توسط سردفتر تنظیم شود را مشمول بخشنامه اخیر مربوط به تعرفه حق‌التحریر اسناد دانسته‌اند که به موجب آن مبالغ بیشتری به سردفتران می‌بایستی پرداخت شود.

لازم به یادآوری است که وزارت عدلیه نیز در ماده بند ز در ماده ۳۷ نظامنامه قانون دفتر اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۱۶ همانطور که قبلاً بیان شد در مورد اسناد متفرقه، قراردادهای اسناد ترک دعوی، صلحنامه، تقسیم‌نامه، وصیت‌نامه، وقفنامه، شرکت‌نامه و مانند اینها که تنظیم آنها محتاج به اطلاعات حقوقی و فنی است مقرر نموده بود که چنانچه متن سند در خارج تنظیم و برای ثبت آن به دفترخانه مراجعه شده باشد برای اوراق متفرقه کوچک نیم ورقی پانزده سطری که هر سطر لااقل سی کلمه باشد صفحه‌ای یکصد ریال و برای اوراق متفرقه بزرگ تمام ورق ۲۷ سطری که هر سطر لااقل پنجاه کلمه باشد صفحه‌ای یکصد و پنجاه ریال حق‌التحریر دریافت خواهد شد. ولی در صورتی که سردفتر خود به تنظیم و انشاء سند مبادرت نماید علاوه بر حق‌التحریر از روی عده صفحات به ترتیب مذکور در فوق حق‌الزحمه تنظیم سند را هم به رضایت طرفین که قبل از تنظیم سند باید تعیین می‌شود دریافت خواهد نمود این امر در طرح اصلاح ماده ۲۷ نظامنامه مذکور که در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۳ به تصویب وزارت دادگستری رسید.

د - نتیجه این بحث

بنابراین باتوجه به مطالب فوق‌الذکر به نظر می‌رسد اطلاق واژه حق‌التحریر بر حق‌الزحمه سردفتران از باب تنظیم اسناد ناشی از خلاء قانونی و سکوت قانون ثبت و اشکال صریح موجود در ماده ۵۰ قانون دفاتر اسناد رسمی است که تنها وجوهی که به عنوان حق‌الزحمه توسط سردفتران وصول می‌شود را حق‌التحریر مربوط به تنظیم و ثبت اسناد رسمی تعیین نموده است و حال آنکه حق‌التنظیم که اهمیت آن بسیار بیشتر از حق

التحریر می‌باشد به بوته فراموشی سپرده شده است. این اشکال و ایراد تا بدانجا گسترده شده است که به زعم واضعین قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی تنها وظیفه سردفتران تحریر و ثبت اسناد رسمی می‌باشد و به همین دلیل تنها در مورد حق‌الثبت و حق‌التحریر اسناد تعیین تکلیف نموده‌اند و لیکن همانطور که استحضار دارید وظایف مختلفی از سوی سران دفاتر اسناد رسمی صورت می‌گیرد که قوانین فوق‌الاشعار متعرض حق‌الزحمه سردفتران از باب انجام وظایف مزبور نشده‌اند از جمله تهیه و تسلیم رونوشت اسناد رسمی و تصدیق امضاء و اسنادی که به امانت نزد دفاتر سپرده می‌شوند و صدور اخطاریه و اجرائیه و تعویض و دریافت قبوض سپرده و فسخ و اقاله سند و ارسال اطلاع‌نامه فسخی و تعویض یا ضم وثیقه و متمم قراردادهای اسناد و معلوم نیست که با توجه به سکوت و نقص قوانین مزبور آیا می‌توان بدون مستند قانونی نسبت به تعیین تعرفه انجام وظایف مزبور به موجب بخشنامه مبادرت نمود؟ آیا این امر با اصل قانونی بودن پرداخت‌های عمومی که محتاج به نص صریح قانونی است مطابقت دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد این ایرادات و اشکالات جز با تصویب مقررات قانونی از طریق قوه مقننه قابل حل نمی‌باشد و رفع این اشکالات تنها از این طریق میسر می‌باشد.

هـ- تعرفه حق‌التحریر

در ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی مقرر شده است میزان حق‌التحریر اسناد مطابق تعرفه تعیین شده وزارت دادگستری خواهد بود که باید هر چهار سال یکبار مورد بررسی مجدد قرار گیرد و در صورت اقتضاء در آن تجدیدنظر شود. مفاد این ماده تأکید مجددی بر مقررات موضوع ماده ۵۳ قانون دفتر اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۱۶ می‌باشد. در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۳ طرح اصلاح ماده ۳۷ نظامنامه قانون دفتر اسناد رسمی طی شماره ۱/۱۸۹۹۳ به تصویب وزارت دادگستری رسید و به موجب بخشنامه شماره ۱۰/۶۶۲۶ مورخه ۱۳۵۷/۸/۶ به واحدهای ثبتی ابلاغ گردید. در مصوبه مذکور مقرر شد برابر ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی حق‌التحریر اسناد در دفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق به قرار ذیل است الف - اسناد رسمی اعم از قطعی - شرطی - رهنی - استقراضی و اجاره اموال منقول و غیرمنقول

- ۱ - اسنادی که مبلغ آن تا سی هزار ریال است ۲۵۰ ریال
 - ۲ - اسنادی که مبلغ آن تا پنجاه هزار ریال است ۴۵۰ ریال
 - ۳ - اسنادی که مبلغ آن تا یکصد هزار ریال است ۸۵۰ ریال
 - ۴ - اسنادی که مبلغ آن تا دویست هزار ریال است ۱۴۰۰ ریال
 - ۵ - اسنادی که مبلغ آن تا پانصد هزار ریال است ۲۲۰۰ ریال
 - ۶ - اسنادی که مبلغ آن تا یک میلیون ریال است ۴۰۰۰ ریال
 - ۷ - اسنادی که مبلغ آن تا ۵ میلیون ریال است نسبت به مازاد یک میلیون ریال ۱/۵ در هزار که حداکثر آن می‌شود ۱۰۰۰۰ ریال
 - ۸ - اسنادی که مبلغ آن تا ۱۰ میلیون ریال است نسبت به مازاد ۵ میلیون ریال یک در هزار که حداکثر آن می‌شود ۱۵۰۰۰ ریال
 - ۹ - اسنادی که مبلغ آن از ده میلیون ریال به بالا است نسبت به مازاد ده میلیون ریال نیم در هزار که حداکثر آن در هیچ مورد از مبلغ ۶۰ هزار ریال بیشتر نخواهد شد.
- ب - اسناد متفرقه و غیرمالی ۱ - اسناد متفرقه دیگر اعم از قراردادهای، وکالتنامه‌ها، صلح‌نامه، تقسیم‌نامه، هبه‌نامه، وصیت‌نامه، وقف‌نامه و نظایر آنها که حق‌التحریر آنها فوقاً تعیین نشده است در صورتی که مختصر و بیش از یک برگ نباشد ۵۰۰ ریال و در صورتی که مفصل و بیش از یک برگ باشد ۵۰۰ ریال دیگر برای هر یکبرگ اضافه می‌شود. ۲ - گواهی امضاء در هر سند ۱۵۰ ریال ۳ - تنظیم رونوشت یا فتوکپی اسناد برای هر صفحه ۵۰ ریال ۴ - صدور اخطاریه ۱۰۰ ریال ۵ - تعویض قبض سپرده ۵۰ ریال
- بدین ترتیب تعرفه حق‌التحریر اسناد در اجرای ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی به موجب نظامنامه معین شد و موضوع نحوه محاسبه حق‌التحریر از پرده ابهام خارج گردید اما متأسفانه در شق ۹ بند الف بدون هیچ‌گونه دلیل منطقی برای میزان حداکثر حق‌التحریر با وجود وضع تعرفه خاص سقف محدود و معینی قرار داده شد و حق سردفتران تزییع گردید و با وجود آنکه مقرر شده بود که نسبت به مازاد ده میلیون ریال نیم در هزار به سردفتران به عنوان حق‌التحریر باید پرداخت شود و لیکن در ادامه بدون هیچ دلیلی حداکثر مبالغ دریافتی سردفتران از محل عواید حق‌التحریر را شصت هزار ریال قرار داد و لذا بخشی از حقوق قانونی سردفتران در نتیجه صدور این نظامنامه تزییع

گردید.

در تبصره ۱ نظامنامه مزبور نیز مقرر شد پرداخت حق‌التحریر و قیمت اوراق و اسناد و قبوض اقساطی بالمناصفه به عهده طرفین است. مگر اینکه قبلاً توافق دیگری در این خصوص به عمل آمده باشد تا یک طرف شخصاً تمام آن را بپردازد. بنابراین پرداخت هزینه‌های مزبور نیز همانند حق‌الثبت اسناد برعهده طرفین می‌باشد مگر آنکه در اسناد تنظیمی فقط یک طرف حضور داشته و یا جزء اسناد مربوط به تعهدات یکجانبه بوده و یا آنکه حضور یک طرف برای رسمیت و اعتبار یافتن سند کافی باشد (ماده ۶۳ قانون ثبت) که در این صورت پرداخت هزینه‌های تنظیم سند به عهده صاحب سند مزبور خواهد بود.

از آنجا که مطابق ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی در تعرفه حق‌التحریر هر چهار سال یکبار باید تجدیدنظر شود. تعرفه حق‌التحریر آخرین بار در سال ۱۳۸۰ دچار تغییر و تحول گردیده است. رئیس سازمان ثبت به نیابت از وزیر دادگستری در اجرای ماده ۵۴ مرقوم و بنابر اختیار مفوض‌الیه به موجب نامه شماره ۱/۷۸/۱۵۸۳۶ مورخ ۱۳۷۸/۶/۱۶ از سوی ریاست قوه قضاییه تعرفه حق‌التحریر اسناد رسمی را به شرح زیر اصلاح و تصویب نمودند که از تاریخ ۱۳۸۰/۷/۱ در کلیه دفاتر اسناد رسمی به اجرا درآمده و تاکنون به قوت و اعتبار خود باقی است. به موجب بند الف بخشنامه شماره ۱/۳/۳۴/۲۱۷۳۱ مورخ ۱۳۸۰/۶/۱۷ تعرفه حق‌التحریر دفاتر اسناد رسمی در مورد اسناد قطعی - قرارداد مشارکت مدنی - فروش اقساطی - رهنی - استقراضی اجاره اموال منقول و غیرمنقول به شرح زیر اصلاح شده است:

- ۱ - اسنادی که مبلغ آنها تا یک میلیون ریال است ۶۰۰۰۰ ریال
- ۲ - اسنادی که مبلغ آنها از یک میلیون و یک ریال تا ده میلیون ریال است نسبت به مازاد یک میلیون ریال پانزده در هزار
- ۳ - اسنادی که مبلغ آنها تا ده میلیون و یک ریال تا پنجاه میلیون ریال است نسبت به مازاد میلیون ریال یک و نیم در هزار.
- ۴ - اسنادی که مبلغ آنها تا پنجاه میلیون و یک ریال تا دویست میلیون ریال است نسبت به مازاد پنجاه میلیون ریال یک در هزار.
- ۵ - اسنادی که مبلغ آنها دویست میلیون ریال تا یک میلیارد ریال است نسبت به مازاد

دولت میلیون ریال نیم در هزار

۶ - اسنادی که مبلغ آنها از یک میلیارد و یک ریال به بالا است نسبت به مازاد یک

میلیارد ریال ربع در هزار

در تبصره بند الف مقرر شده است در صورتی که طرفین معامله بیش از چهار نفر باشند به ازاء هر نفر اضافی ۵۰۰۰ ریال به حق التحریر متعلقه اضافه می‌شود.

در بند ب بخشنامه مذکور تعرفه حق التحریر اسناد غیرمالی به شرح زیر اصلاح و تعیین شده است.

۱ - وکالتنامه‌های مختصر که برای انجام معامله نباشد شصت هزار ریال و چنانچه

برای انجام معامله باشد یکصد هزار ریال

وکالتنامه‌های مفصل که برای انجام معامله نباشد یکصد هزار ریال و چنانچه برای انجام معامله باشد دویست هزار ریال و به ازاء هر برگ اضافی بیست هزار ریال. در تبصره این بند مقرر شده است حق التحریر وکالتنامه برای انتقال انواع خودرو و ماشین‌آلات راهسازی و کشاورزی و موتورسیکلت در برابر حق التحریر اسناد قطعی آنها است.

۲ - تنفیذ نامه، رضایتنامه ۵۰۰۰۰ ریال

۳ - تقسیم نامه برای هر واحد تقسیم مال منقول نظیر انواع خودرو و غیرمنقول، اعم از زمین، آب، مزرعه، پلاک ثبتی یا قطعه تفکیکی (آپارتمان یا نوع دیگر) پنجاه هزار ریال که از یکصد و پنجاه هزار ریال کمتر نخواهد بود (توضیح): پارکینگ و انباری و سایر منضمات با خود آپارتمان مجموعاً یک واحد محسوب می‌شود.

۴ - اقرارنامه و تعهدنامه ۳۰۰۰۰ ریال

۵ - وقفنامه و وصیتنامه مختصر یکصد و پنجاه هزار ریال مفصل سیصد هزار ریال.

۶ - صلحنامه و هبه‌نامه (که تعیین قیمت برای آن مقدور نباشد) و قرارداد در صورتی

که یک برگ باشد شصت هزار ریال و به ازاء هر برگ اضافی بیست هزار ریال

۷ - تعویض یا ضم وثیقه، متمم قراردادها و اسناد ۵۰۰۰۰ ریال

۸ - فک یا فسخ یا اقاله سند و ارسال اطلاعاتنامه فسخی به اداره ثبت ۱۰۰۰۰ ریال

۹ - حق التحریر صدور اجرائیه برای هر برگ ۱۰۰۰۰ ریال

۱۰ - صدور اخطاریه برای هر نفر ۵۰۰۰ ریال

۱۱ - دریافت یا تعویض قبوض سپرده مجموعاً ۱۰۰۰۰ ریال

۱۲ - تهیه رونوشت و گواهی آن برای هر برگ ۱۰۰۰۰ ریال

۱۳ - صدور گواهی عدم حضور موضوع بند ۸۹ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی ۱۰۰۰۰

ریال

۱۴ - عزل وکیل توسط موکل در حاشیه ملاحظات ۱۰۰۰۰ ریال

۱۵ - سایر اسناد غیرمالی که در بالا نیامده باشد از قبیل ابراء، ضمّ امین و ... سی هزار

ریال

و - حق‌التحریر گواهی امضاء

۱ - در تبصره ۲ نظامنامه مذکور نیز مقرر شد بیست درصد از حق‌التحریر گواهی امضاء متعلق به کانون سردفتران و دفترياران است که سردفتران باید همه ماهه به حساب کانون واریز کنند. در این رابطه ذکر دو نکته لازم به نظر می‌رسد الف - در امر گواهی امضاء هیچگونه نوشته‌ای از سوی سردفتران تحریر نمی‌شود تا هزینه‌ای که بابت انجام گواهی امضاء توسط سردفتران دریافت می‌شود عنوان حق تحریر بیابد بلکه همانطور که در قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی در مقررات مربوط به گواهی امضاء مقرر شده است گواهی امضاء تصدیقی است که در مورد نمونه امضاء اشخاص و اصالت آن توسط دفاتر اسناد رسمی صادر می‌شود بنابراین عنوان حق تصدیق همانطور که در گذشته نیز ملاحظه شد مورد استعمال بوده است امروزه نیز هزینه‌ای که دفاتر از این بابت وصول می‌نمایند همین عنوان را دارد ولیکن به طوریکه ملاحظه شد این موضوع متأسفانه در ماده ۵۰ قانون دفاتر اسناد رسمی موضوع مسکوت مانده و تنها از حق‌التحریر اسناد نام برده شده است. این موضوع باید در اصلاحات آتی مورد تجدید نظر قرار گیرد.

۲ - به موجب این تبصره ۲۰ درصد از حق‌التحریر گواهی امضاء به کانون سردفتران اختصاص داده شده است این امر سالیان دراز به اجرا درآمده و سهم کانون به حساب تعیین شده واریز می‌شد تا اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب رأی شماره ۵۱ مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۳ تبصره ۲ بخشنامه شماره ۱۰۷۰۵/۱۳۴ - ۱۳۷۷/۶/۲ سازمان ثبت را ابطال نمود و از تاریخ صدور رأی مرقوم وظیفه مزبور به فراموشی سپرده شد. اما مجدداً دیوان عدالت اداری در رأی دیگری به شماره ۲۱۱ - ۱۳۸۲/۶/۲ در پاسخ به شکایت برخی

از اشخاص اعلام نمود که هزینه‌ای که بابت تصدیق امضاء وصول می‌شود نیز از باب حق‌التحریر و مشمول عنوان مذکور می‌باشد زیرا در قانون عنوان دیگری برای درآمد دفترخانه پیش‌بینی و مقرر نشده است بنابراین دفاتر مکلفند در اجرای مواد ۵۵ و ۶۸ قانون دفاتر اسناد رسمی ده درصد از حق‌التحریر گواهی امضاء را نیز ماهیانه به حساب سردفتران کانون سردفتران واریز نمایند. بنابراین از تاریخ صدور رأی اخیر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری سردفتران مکلفند ماهیانه ده درصد (به جای ۲۰ درصد قبلی) از حق‌التحریر را به حساب کانون سردفتران واریز نمایند.^۱

ز- حق‌التحریر اسناد مالی و غیرمالی

همانطور که ملاحظه شد در رابطه با حق‌التحریر اسناد مالی و غیرمالی دو روش مختلف به کار گرفته شده و دو نوع حقوق ثابت و نسبی مقرر شده است. در رابطه با اسناد غیرمالی حقوق ثابتی در مورد حق‌التحریر مقرر گردیده و در مورد اسناد مالی حقوق نسبی برقرار شده است به عبارت دیگر مبالغ ثابتی برای انواع اسناد غیرمالی به عنوان حق‌التحریر معین شده است مثلاً حق‌التحریر رضایتنامه پنجاه هزار ریال تعیین شده است و لیکن در مورد اسناد مالی مأخذهای متعددی معین گردیده و بر مبنای مأخذهای مزبور درصدهای مشخصی از مبالغ مندرج در سند به عنوان حق‌التحریر اسناد در نظر گرفته شده است به عنوان مثال در صورتی که مبلغ سندی از یک میلیون و یک ریال تا ده میلیون ریال باشد نسبت به مازاد یک میلیون ریال ۱۵ درصد مبالغ مذکور حق‌التحریر برای دفترخانه در نظر گرفته شده است.

همانطور که در بررسی مقررات راجع به حق‌الثبت ملاحظه شد در قوانین گذشته اسناد از جهت دریافت حق‌الثبت به دو نوع مالی و غیرمالی تقسیم شده بودند و ملاک مالی بودن یا نبودن اسناد آن بود که اسنادی که متضمن نقل و انتقال اموال بودند و در خصوص اموال منقول یا غیرمنقول تنظیم می‌شدند از قبیل بیع، بیع شرط، رهن، صلح‌نامه،

۱. در تبصره ۳ ماده ۳۷ نظامنامه قانون دفتر اسناد رسمی (اصلاحی ۱۳۴۰/۳/۱۱) مقرر شده بود که بابت حق‌التحریر گواهی هر امضاء علاوه بر پنج ریال که باید به کانون سردفتران تسلیم شود بیست ریال هم برای سردفتر دریافت می‌شود.

هبه‌نامه و وصیت‌نامه و وقف‌نامه و صداق‌نامه و اجاره‌نامه، فته طلب و امثال آنها اسناد مالی محسوب می‌شدند و حقوق نسبی به آنها تعلق می‌گرفت و اسنادی که موضوع آنها مالی نبود و تعیین قیمت موضوع آنها ممکن نبود اسناد غیرمالی محسوب و حقوق ثابت به آنها تعلق می‌گرفت^۱ از قبیل طلاق‌نامه، وکالت‌نامه، استشهاد‌نامه و اقرارنامه و امثال آنها و در ماده ۱۱۸ قانون ثبت اسناد مصوب ۱۲۹۰ مقرر شده بود که در خصوص دریافت حقوق دولتی مباشرین ثبت مکلف نیستند اسناد را در نوع و طبقه‌ای که طرفین اظهار می‌دارند قرار دهند و همچنین نباید به واسطه تأویلات و تعبیرات خودسرانه آنچه را که از مفاد عبارات اسناد مفهوم نمی‌شود فرض نمایند بلکه باید نوع حقیقی سند را مأخذ قرار داده و موافق تعرفه حقوق دولت را دریافت کنند و در ماده ۱۱۹ مقرر شده بود مباشر ثبت حق دارد صحت اقراراتی را که در حضور او می‌شود و همچنین صحت مندرجات اسناد را برای حفظ حقوق دولتی تفتیش و تحقیق نماید.

به عبارت دیگر برای آنکه حقوق دولتی به درستی و بر طبق واقعیت وصول گردیده و جلوی فرار از پرداخت حقوق دولتی از طریق جعل عنوان غیرمالی برای اسناد گرفته شود به مباشرین ثبت تکلیف شده بود که تنها به اظهارات طرفین بسنده نمایند و با تحقیق و بررسی نوع حقیقی سند را معلوم نموده و حقوق دولتی آن را وصول نماید به عنوان مثال ممکن بود اشخاص صلح‌نامه‌ای فی‌مابین منعقد نموده و لیکن نام اقرارنامه بر آن نهاده و از این طریق بخواهند حقوق دولتی کمتری پرداخت نمایند که در این مورد مباشر ثبت مکلف بود چنانچه تشخیص می‌داد موضوع سند صلح‌نامه و مالی است و تعیین قیمت موضوع آن ممکن می‌باشد به عنوان مورد اظهار طرفین توجه ننموده و با تعیین مبلغ و قیمت موضوع سند حق‌الثبت آن را براساس تعرفه وصول نماید.

امروزه نیز به نظر می‌رسد سردفتران مکلف هستند تا صرفاً به اظهارات و جعل عناوین اسناد از سوی اصحاب سند اکتفاء ننموده بلکه نوع حقیقی آن را معین نموده و حقوق دولتی متعلقه را وصول نمایند. همچنین در مورد حق‌الزحمه سردفتران نیز همان ترتیب می‌باید لحاظ شود و مورد توجه قرار گیرد. این امر در بخشنامه‌های فوق‌الاشعار سازمان

۱. ماده ۱۳۸ قانون ثبت اسناد مصوب سال ۱۲۹۰ و ماده ۱۲۴ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۰۲.

ثبت که به تعیین تعرفه حق التحریر اسناد اختصاص دارد نیز دقیقاً مورد توجه قرار گرفته و در خصوص تعرفه اسناد غیرمالی در بند ب بخشنامه اخیرالذکر اولاً در مورد اسناد وکالتنامه مربوط به معاملات خودرو مقرر گردیده است که حق التحریر اسناد مزبور برابر با حق التحریر اسناد قطعی آنهاست ثانیاً در شق ۶ بند ب مقرر شده در مورد قراردادهای صلحنامه و هبهنامه اگر تعیین قیمت برای آنها مقدور نباشد شصت هزار ریال حق التحریر پرداخت خواهد شد و در غیر این صورت حق التحریر آن براساس تعرفه اسناد مالی محاسبه و دریافت خواهد شد.

بنابراین صرفاً درج برخی از عناوین مندرج در بخشنامه مورد اشاره براسناد که از سوی اصحاب سند اعلام و تعیین می‌شود نمی‌تواند ملاک و مبنای وصول حقوق دولتی و حق التحریر اسناد باشد بلکه ملاک و معیار صحیح و قانونی در این خصوص آن است که هرگاه تعیین قیمت موضوع سند ممکن باشد و یا آنکه سند مزبور متضمن نقل و انتقال اموال باشد در این صورت سند مزبور مالی محسوب و حق الثبت و حق التحریر براساس تعرفه اسناد مالی دریافت خواهد شد به عنوان مثال اگر در اقرارنامه‌ای شخصی اقرار به دریافت وجهی از شخص معینی بنماید از آنجا که در این مورد تعیین قیمت و مبلغ موضوع سند میسر می‌باشد فلذا حق الثبت و حق التحریر آن براساس تعرفه اسناد مالی باید وصول شود مگر آنکه صریحاً مشمول معافیت قانونی باشد که در این صورت حقوق دولتی دریافت نخواهد شد و تنها حق التحریر به حیظه وصول درخواستی از جمله در مورد مهریه زیرا بنا بر نصوص قانونی مهریه از پرداخت حق الثبت معاف می‌باشد و لیکن این امر شامل حق التحریر نمی‌گردد و حق التحریر براساس تعرفه اسناد مالی وصول خواهد شد. و یا آنکه هرگاه شخصی در ضمن اقرارنامه‌ای اقرار نماید که مال معینی را به شخص دیگری واگذار نموده و متعلق به او می‌باشد این سند هرچند عنوان اقرارنامه دارد و لیکن چون موضوع آن انتقال مالی به دیگری می‌باشد بنابراین سند مالی محسوب و حق التحریر و حق الثبت آن براساس اسناد مالی دریافت خواهد شد.

ح - پرداخت حق التحریر و حق الثبت به عهده کیست؟

پرداخت حق التحریر و قیمت اوراق و اسناد و قبوض اقساطی براساس تبصره یک بند

ب بخشنامه مذکور بالمناصفه به عهده طرفین می‌باشد.^۱ از آنجا که اسناد در اوراق مخصوص باید تنظیم شود و سپس به ثبت رسمی برسد بنابراین این موضوع که متقاضی تنظیم و ثبت سند چه کسی می‌باشد به راحتی قابل تشخیص می‌باشد.

توضیح آنکه در گذشته و در زمانی که اشخاص می‌توانستند اسناد خود را شخصاً تنظیم نموده و معاملات خود را به انجام برسانند و تنها در صورتی که هر یک از طرفین مایل بود می‌توانست نزد مباشرین ثبت و یا دفاتر اسناد رسمی مراجعه نموده و سند خود را به ثبت رسمی برساند موضوع متقاضی ثبت و اینکه کدام یک از طرفین متقاضی ثبت می‌باشد امکان بروز و ظهور می‌یافت و لیکن پس از تصویب ماده ۱۸ قانون دفاتر اسناد رسمی از آنجا که سند باید در اوراق مخصوص تنظیم و به امضاء طرفین رسیده و سپس وارد دفتر گردیده و ثبت شود بنابراین طرفین باید در دفترخانه حاضر گردیده و ذیل سند تنظیمی توسط سردفتر را امضاء نموده و تقاضای ثبت آن را در دفتر بنمایند تا امکان ثبت سند در دفتر فراهم گردیده و سند رسمی تحقق یابد.

بدین ترتیب تنها در صورت تقاضای اصحاب و اطراف سند است که سند رسمی تنظیم و در دفتر به ثبت می‌رسد و در غیر این صورت سندی تنظیم و ثبت نمی‌گردد. در نتیجه متقاضی ثبت در مورد اسنادی که دارای دو طرف یا بیشتر می‌باشد طرفین محسوب می‌شود و در مورد اسناد یک طرفه متقاضی ثبت روشن است که چه کسی می‌باشد.

بنابراین پرداخت حق‌الثبت و حق‌التحریر در مورد اسناد تنظیمی برعهده تمامی اصحاب و اطراف سند می‌باشد و دلیل قانونی وجود ندارد که یک طرف را از پرداخت هزینه‌های تنظیم سند مستثنی نمائیم مگر آنکه متعاملین فیما بین خود ترتیب دیگری را مقرر نموده باشند که در این صورت به ترتیب مذکور عمل خواهد شد زیرا در این خصوص اصل حاکمیت اراده اعمال می‌شود و قراردادهای خصوصی اشخاص که مخالف صریح قانون نمی‌باشد محترم و قابل اجرا خواهد بود.

۱. به موجب تبصره ۲ ماده ۳۷ نظامنامه قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۴۰/۳/۱۱ مقرر شده بود که حق‌التحریر را طرفین بالمناصفه می‌پردازند مگر اینکه قبلاً بین آنان طور دیگری تراضی شده باشد و در ماده ۱۳۳ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰ نیز مقرر شده است که حق‌الثبت به عهده طرفی است که تقاضای ثبت می‌نماید مگر اینکه بین طرفین معامله ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

سهم دفترباران و کارکنان و کانون سردفتران از حق التحریر اسناد رسمی

مطابق قسمت اخیر ماده ۵۴ قانون دفاتر اسناد رسمی ۲۰ درصد از حق التحریر دریافتی توسط سردفتر به دفتربار اول پرداخت می‌شود. این قسمت از ماده ۵۴ به موجب بند ۲ ماده واحده قانون توزیع حق التحریر دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۷۳/۲/۲۸ اصلاح گردیده و میزان آن به پانزده درصد کاهش یافته است. همچنین به موجب ماده ۵۵ قانون دفاتر اسناد رسمی در اجرای ماده ۱۶۵ قانون مالیات‌های مستقیم و به موجب بند ۱ ماده واحده مزبور ده درصد از حق التحریر دریافتی توسط سردفتر متعلق به کانون سردفتران می‌باشد.^۲ به علاوه به موجب ماده ۳ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۷۱/۳/۳ پانزده درصد از حق التحریر دفاتر اسناد رسمی هر ماهه به عنوان پاداش به کارکنان دفاتر اسناد رسمی پرداخت می‌گردد. بدین ترتیب چهل درصد از حق التحریر در دفاتر اسناد رسمی به دیگران اختصاص یافته و از زمره درآمد و حق الزحمه سردفتر خارج می‌گردد و این موضوع از لحاظ محاسبه مالیات شغلی سردفتران حائز اهمیت می‌باشد زیرا مبالغ مذکور نباید جزء درآمد سردفتر محسوب و مشمول مالیات باشد بلکه پس از کسر مبالغ مذکور از کل درآمد، هزینه‌های قابل قبول قانونی از باقیمانده کسر و سپس با اعمال معافیت مالیاتی سالیانه درآمد مشمول مالیات معین می‌شود پس از آن براساس نرخ ماده

۱. به موجب تبصره ۴ ماده ۲۷ نظامنامه دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۴۰/۳/۱۱ مقرر شده بود دو عشر از مجموع درآمد حق التحریر ماهیانه دفترخانه‌های اسناد رسمی که دارای دفتربار هستند باید توسط سردفتر به دفتربار اول دفترخانه پرداخت شود.

۲. در ماده ۶۵ نظامنامه قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ مقرر شده بود کانون سردفتران برای تأمین مخارج و حوائج ضروریه خود سهمیه‌ای به شرح زیر از سردفتران حوزه تابعه مأخوذ خواهد داشت:

در مرکز: ۱- سردفتران درجه اول و در حکم درجه اول سالی ۲۰۰ ریال

۲- سردفتران درجه دوم و سردفتران در حکم درجه دوم سالی ۱۰۰ ریال

۳- سردفتران درجه سوم و دفترباران درجه اول سالی ۷۵ ریال.

در استانها و شهرستانها و دهستانها:

۱- سردفتران درجه اول و سردفتران در حکم درجه اول سالی ۱۵۰ ریال.

۲- سردفتران درجه دوم و سردفتران در حکم درجه دوم سالی ۷۵ ریال.

۳- سردفتران درجه سوم و دفترباران درجه اول سالی ۵۰ ریال.

و در ماده ۶۶ نیز مقرر شده بود علاوه بر مبالغ بالا که به طور ثابت دریافت می‌شود هر دفترخانه سه درصد از حق‌السهم خود در آخر هر ماه به صندوق کانون خواهد پرداخت که دو درصد آن از سهم سردفتر و یک درصد آن از سهم دفتربار موضوع خواهد شد.

۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم مالیات متعلقه محاسبه و پرداخت خواهد شد.

در اینجا این گفتار را به پایان می‌برم و امیدوارم که نتایج این تحقیق و بررسی برای دوستان و همکاران مفید باشد و ما را از راهنمایی‌ها و ارشادات خویش محروم نفرمایند تا بلکه از این طریق بتوانیم تا آنجا که مقدور می‌باشد شفافیت بیشتری به قوانین و مقررات مربوط به دفاتر اسناد رسمی ببخشیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی